

با گذشت زمان، تغییراتی در خانواده به وجود می‌آید. به این تصویرها نگاه کنید. هر یک از آن‌ها تغییری را در خانواده نشان می‌دهد:



با تولد یک بچه‌ی دیگر، تعداد اعضای خانواده تغییر می‌کند و بیشتر می‌شود.



بچه‌ها در خانواده رشد می‌کنند و هر روز بزرگ‌تر می‌شوند.



گاهی ممکن است بعضی از اعضای خانواده برای تحصیل در دانشگاه یا کار به شهر دیگری بروند و مدتی دور از خانواده زندگی کنند.



وقتی فرزندان بزرگ می شوند و ازدواج می کنند، خانواده های جدیدی به وجود می آید.

با ازدواج فرزندان و بچه دار شدن آن ها پدر و مادر، صاحب «نوه» می شوند.



پدر و مادر کم کم پیر می شوند.



فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱- به غیر از تغییراتی که در این درس گفته شد، چه تغییرات دیگری ممکن است در یک خانواده به وجود بیاید؟
  - ۲- آیا در سال های اخیر در خانواده ی شما تغییری به وجود آمده است؟ این تغییر شما را خوشحال کرد یا غمگین؟
- شما در هنگام این تغییر چه کردید؟

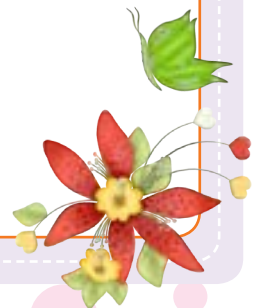


یک دعا برای اعضای خانواده ات بنویس.

.....

.....

.....



من مادر بزرگم را دوست دارم. خانه‌ی مادر نزدیکی  
خانه‌ی اوست. او بیشتر وقت‌ها به ما کمک می‌کند. وقتی  
مادرم برای خرید یا انجام کاری به بیرون می‌رود، او از من  
و خواهر کوچکم مراقبت می‌کند. مادر بزرگ برای  
خواهرم لباس‌های قشنگی دوخته است. او  
همیشه برای ما قصه می‌گوید و ما خیلی چیزها  
از او یاد می‌گیریم.

چقدر خوشحال می‌شویم وقتی ما هم  
کاری برای مادر بزرگ انجام می‌دهیم.



پدر بزرگ در خانه‌ی ما زندگی می‌کند. او پاهایش درد می‌کند و  
نی‌تواند خوب راه برود. زیرا در زمان جنگ و دفاع از کشور ایران  
در مقابل دشمن، آسیب دیده است. پدر بزرگ وقتی سالم‌تر بود، به  
همه‌ی اعضای خانواده کمک می‌کرد.

ما او را دوست داریم و دلمان نمی‌خواهد  
از اینکه نمی‌تواند بعضی کارهایش را  
خودش انجام بدهد، غصه بخورد.  
من هر شب، موقع خواب،  
به او کمک می‌کنم که داروهایش را  
بخورد.





به پدر و مادر نیکی کنید و چنانچه پیر شدند، با نرمی

و مهربانی با آن‌ها سخن بگویید.

«سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۳»



## هدیه‌ی خدا

دختری بود که مادر بزرگش او را خیلی دوست داشت. اسمش چی بود؟ تو بگو! نوه زود به زود به مادر بزرگ سر می‌زد. مادر بزرگ هم دلش برای نوه‌اش خیلی تنگ می‌شد. یک روز عصر تا نوه وارد شد، مادر بزرگ مثل همیشه گفت: «به‌به، عصای دستم آمد!» و با خوشحالی ادامه داد: «منتظر بودم که بیایی تا با هم برویم سر کوچه، سبزی آش بخریم». بعد یک دستش را گذاشت روی شانه‌ی او و با هم رفتند و با یک بغل سبزی برگشتند. بساط سبزی را پهن کرد، کنارش نشست و آه کشید: «آخ جوانی کجایی که یادت بخیر! روزگاری پنج کیلو سبزی را توی یک ساعت پاک می‌کردم و حالا که چشم‌هایم درست نمی‌بیند، همین یک کیلو حتماً تا شب طول می‌کشد». نوه گفت: من کمک می‌کنم تا زود تمام بشود.

نوه داشت کمک می‌کرد و مادر بزرگ هم قربان صدقه‌اش می‌رفت: «قربان تو بروم که چشم منی!» تلفن زنگ زد. مادر بزرگ نشنید. نوه بلند شد و گوشی را برداشت. بعد آمد و مادر بزرگ را صدا کرد. پیرزن با تعجب گفت: «وای! کی زنگ زد؟! من نشنیدم. تو که گوش منی، چه به موقع شنیدی!». پای تلفن، همسایه‌ی مادر بزرگ بود که حالش خوب نبود. مادر بزرگ آش را پخت و به نوه‌اش گفت: «تو که دست منی، بیا یک کاسه آش ببر برای همسایه!» نوه برد و مادر بزرگ دست‌هایش را رو به آسمان گرفت و گفت: «دستت درد نکند، الهی خدا دستت را بگیره عزیزم!»

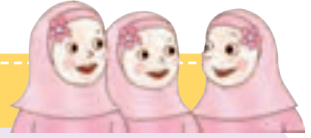


نوه و مادر بزرگ با هم آش خوردند. نوه دراز کشید و گفت: مادر جان، برایم یک قصه بگو! پیرزن به قاب عکس جوانی خودش روی دیوار خیره شد و گفت: «یکی بود، یکی نبود، یک دختری بود، درست هم سن و سال تو، یک مادر بزرگ داشت، درست هم سن و سال من. دختر بیشتر از همه به مادر بزرگش سر می زد. روزها به او کمک می کرد و مواظبش بود و شبها توی اتاق او می خوابید که تنها نباشد. دختر قصه‌ی ما محبت را خوب می فهمید و می دانست که خداوند محبت کردن را دوست دارد. روزها گذشت و گذشت. دختر ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. وقتی پیر شد، خدا برای جبران محبت‌هایش به او یک هدیه داد. نوه با ذوق و شوق پرسید: «هدیه‌ی خدا...؟! چه هدیه‌ای بود؟»

مادر بزرگ موهای نوه‌اش را نوازش کرد و گفت: یک نوه‌ی خوب و مهربان، مثل تو!

(سپیده خلیلی)





- ۱- داستان هدیه‌ی خدا را بخوانید.
- منظور مادر بزرگ از اینکه به نوه‌اش می‌گفت: تو دست منی، تو پای منی، تو گوش منی... چه بود؟
- مادر بزرگ درباره‌ی نوه‌اش چه دعایی کرد؟
- منظور او از این دعا چه بود؟
- چرا خداوند به مادر بزرگ، نوه‌ی خوب و مهربانی هدیه داده بود؟

- ۲- پنج‌شنبه شب است. فردا حمید و خانواده‌اش می‌خواهند به یک جای خوش آب و هوا در اطراف شهر بروند. همه از رفتن به سفر خوشحال هستند. آن‌ها لباس‌ها و وسایلشان را در ساک می‌گذارند. حمید با برادر و خواهرهایش درباره‌ی دیدنی‌های بین راه صحبت می‌کند. مادر بزرگ حمید در خانه‌ی آن‌ها زندگی می‌کند. او پاهایش درد می‌کند. خیلی آهسته راه می‌رود و به سختی ماشین سوار می‌شود و از آن پیاده می‌شود.
- شب، اعضای خانواده درباره‌ی اینکه مادر بزرگ همراه آن‌ها به سفر برود یا نه گفت‌وگو کردند.
- به نظر شما آن‌ها در این باره چه تصمیمی بگیرند؟ چرا؟ اگر شما جای حمید بودید، چه می‌گفتید؟

- ۳- چرا باید به پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و افراد سالمند احترام بگذاریم و از آن‌ها قدردانی کنیم؟



- با راهنمایی معلم به «پیام قرآنی» کتاب درسی قرآن مراجعه کنید و آیه‌ای را که مربوط به پدر و مادر است، پیدا کنید. از روی معنی آن بنویسید و در کلاس بخوانید.



- ۱- از پدر بزرگ یا مادر بزرگ یا یکی از افراد سالخورده‌ی فامیلتان قدردانی کنید. یک هفته فرصت دارید درباره‌ی این موضوع فکر کنید و این کار را هر طور که دوست دارید، انجام بدهید. بعد در کلاس بگویید چگونه این کار را انجام دادید.
- ۲- این «شجره‌نامه» یا درخت خانوادگی علی است. شجره‌نامه نشان می‌دهد که افراد یک خانواده چه نسبتی با هم دارند. شما هم روی کار برگه‌ی شماره‌ی (۵) شجره‌نامه‌ی خودتان را درست کنید.





# همکاری در خانواده

## ۳ فصل







### اردوی تفریحی در مدرسه‌ی شهید جلالی

در این تصویر بچه‌های کلاس سوم دبستان را در حال چیدن سفره‌ی صبحانه می‌بینید.  
 معلم به آن‌ها پیشنهاد کرده بود که آن روز صبحانه را با هم در حیاط مدرسه بخورند.  
 بچه‌ها کارها را بین خودشان تقسیم کرده بودند: پهن کردن سفره، چیدن ظرف‌ها، پذیرایی از هم‌کلاسی‌ها، جمع کردن سفره، ریختن زباله‌ها در سطل، شستن ظرف‌ها و ....  
 آن روز، بچه‌ها با همکاری یکدیگر لحظه‌های خوبی را با هم گذراندند و به آن‌ها خیلی خوش گذشت.



با کمک معلم، اردو یا مراسمی را در داخل یا خارج مدرسه اجرا کنید.  
 کارها را بین خودتان تقسیم کنید.  
 در پایان اردو بگویید:  
 چگونه با هم همکاری کردید؟ همکاری شما چه فایده‌هایی داشت؟ اگر قرار بود همه‌ی کارها را یک یا دو نفر انجام دهند، چه می‌شد؟

اکنون، به این تصویرها توجه کنید. در هر یک چه چیزی مشاهده می کنید؟  
چه چیز مشترکی در این تصویرها وجود دارد؟



فکر کنید و پاسخ دهید



- ۱- آیا درست است که همه‌ی کارهای خانه را یک نفر انجام بدهد؟ چرا؟
- ۲- اگر شما برادر یا خواهر کوچک تر دارید، بگویید در چه کارهایی به او کمک می کنید.

## • تقسیم کار

سینا و مریم خواهر و برادر هستند. آن‌ها جدولی به شکل زیر درست کردند و در آن، کارهایی را که اعضای خانواده بین خودشان تقسیم کرده بودند، نشان دادند.

کارهای خانه	غذا پختن	خرید مواد غذایی	خرید نان	گردگیری	شستن ظرف‌ها، خشک کردن ظرف‌ها	بیرون گذاشتن زباله‌ها	مرتب کردن رختخواب	آب دادن به گلدان‌ها	جارو کردن خانه، تمیز کردن حیاط
اعضای خانواده									
مادر	×				×		×		
پدر		×				×	×		
سینا			×				×	×	×
مریم				×			×		
مونا					×		×		

در سمت راست جدول، نام اعضای خانواده و در بالای جدول، کارهای گوناگون خانه نوشته شده است. ما با نگاه کردن به این جدول، بهتر و سریع‌تر می‌فهمیم که هر یک از اعضای خانواده‌ی سینا چه کمکی به خانواده می‌کنند.

برای مثال:

- سینا چه کارهایی انجام می‌دهد؟
- وظیفه‌ی مونا چیست؟
- مرتب کردن رختخواب، کار کدام یک از اعضای خانواده است؟
- چه کسی غذا می‌پزد؟

فکر کنید، انجام دهید

کار برگه‌ی شماره‌ی (۶) را کامل کنید و تقسیم کار در خانه‌تان را نشان دهید.

در هر خانه، مقرراتی وجود دارد.

**مقررات**، به ما می‌گوید، چه کارهایی را باید انجام بدهیم یا انجام ندهیم.



بچه‌ها، در خانه‌ی ما این مقررات وجود

دارد:

- کفش‌ها را بیرون از اتاق در بیاوریم.
  - داخل اتاق توپ بازی نکنیم.
  - به موقع بخوابیم.
  - موقعی که اعضای خانواده در حال خواندن نماز، استراحت یا مطالعه هستند، صدای تلویزیون را بلند نکنیم.
  - کتاب، دفتر، لباس و وسایلی را که از آن‌ها استفاده می‌کنیم، سر جای خود بگذاریم.
- و ....



راستی در خانواده‌ی شما چه مقرراتی وجود دارد؟ بگویید.

هم فکری کنید و بگویید



- ۱- مقررات خانواده‌ی خودتان را با هم‌کلاسی‌هایتان مقایسه کنید.
- ۲- کدام مقررات در خانواده‌ی همه‌ی شما مشترک است؟
- ۳- اگر اعضای خانواده، هر یک از این مقررات را رعایت نکنند، چه اتفاقی می‌افتد؟
- ۴- رعایت مقررات چه فایده‌ای دارد؟





۱- به مدت یک هفته، در کار برگه‌ی شماره‌ی (۷)، کارهایی را که برای همکاری در خانه انجام داده‌اید، یادداشت کنید.

بگویید این همکاری چه فایده‌هایی داشت؟

۲- اگر از شما بخواهند مقررات جدیدی به مقررات خانه تان اضافه کنید، چه چیزی پیشنهاد می‌کنید؟

۳- به سلیقه‌ی خودتان یک «کارت قدردانی» درست کنید. روی آن یک جمله بنویسید و به یکی از اعضای خانواده تان بدهید.

(کارت را به معلم خود نشان بدهید.)



به نام خدا

برادر خوبم سییل

از اینکه در درس هایم به من کمک کردی

.....



از طرف مینا

# ۴ فصل نیازهای خانواده



# نیازهای خانواده چگونه تأمین می‌شود؟

درس ۱۰



اعضای خانواده به غذا، پوشاک و وسایل زندگی نیاز دارند.

آن‌ها، کالای مورد نیاز خود را از مغازه‌ها می‌خرند.

در این تصویر، بعضی از کالاها را می‌بینید. آیا می‌توانید تعدادی از کالاهایی را که خانواده‌ی شما از آن‌ها استفاده می‌کنند، نام ببرید؟



همه‌ی مردم برای تأمین نیازهایشان باید کار کنند.

افراد از راه کارکردن، پول به دست می‌آورند.

به این پول **درآمد** می‌گویند.

معمولاً پدر در بیرون از خانه کار می‌کند و برای همسر و فرزندانش وسایل زندگی تهیه می‌کند. مادر هم در خانه کار می‌کند.

در بعضی خانواده‌ها، زنان به غیر از کار در خانه، شغل دیگری هم دارند و از این راه به درآمد خانواده کمک می‌کنند. برای مثال در شهرها، زنان در اداره، کارخانه، مدرسه یا بیمارستان کار می‌کنند. در روستاها، زنان در دوشیدن شیر دام‌ها، قالی‌بافی یا کشاورزی کمک می‌کنند.

مردم، شغل‌های گوناگون دارند.  
 به این تصویرها نگاه کنید. شغل این افراد چیست؟ آن‌ها درآمد خود را از چه راهی به دست می‌آورند؟  
 کدام یک از این شغل‌ها را از نزدیک دیده‌اید؟



همان‌طور که می‌بینید، بعضی افراد کالایی را **تولید** می‌کنند.  
 بعضی دیگر کالایی تولید نمی‌کنند، بلکه فقط **خدمتی** به دیگران انجام می‌دهند.

هم فکری کنید و بگویید



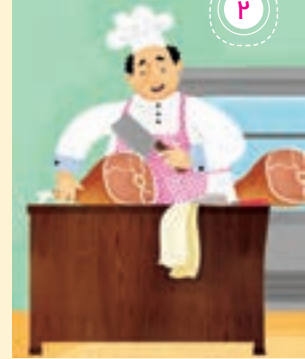
- ۱- چرا افراد باید شغل‌های مختلف داشته باشند؟ اگر همه یک شغل داشته باشند، چه اتفاقی می‌افتد؟
- ۲- شما چه شغل‌هایی را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟
- ۳- کاربرگ‌های شماره‌ی (۸) و (۹) را در کلاس و کاربرگ‌های شماره‌ی (۱۰) را در منزل انجام دهید.



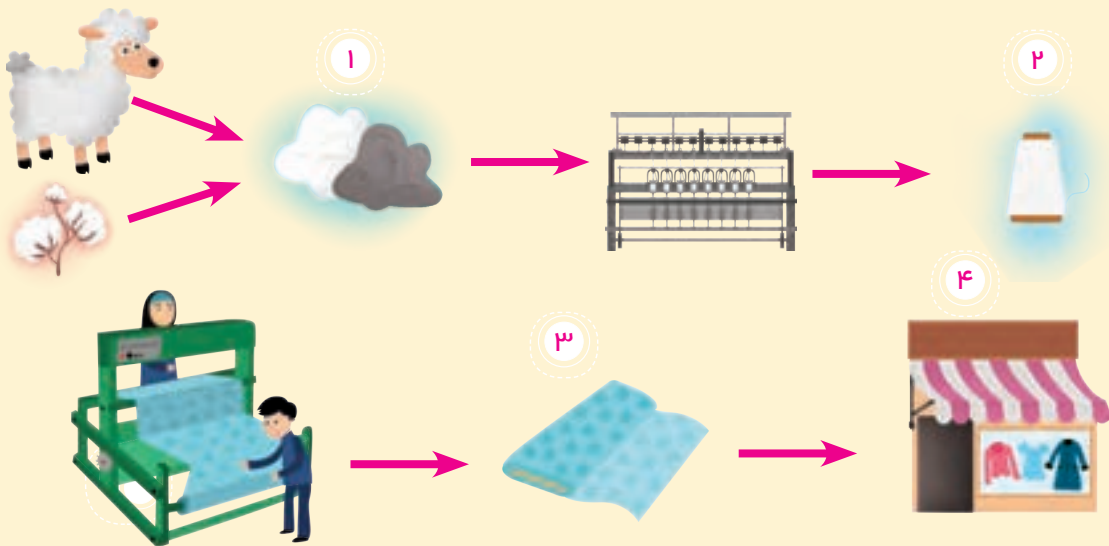
## هم فکری کنید و بگویید



- ۱- به بعضی از وسایل و کالاهایی که هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنید، فکر کنید. (برای مثال صبحانه‌ای که امروز خوردید، لباس، میز و نیمکت، کتاب و دفتر و ...)
- هر یک از چه چیزی و چگونه تهیه شده است؟
- ۲- اکنون کتاب را باز کنید به تصویرها نگاه کنید و به ترتیب شماره‌ها بگویید هر تصویر چه چیزی را نشان می‌دهد؟



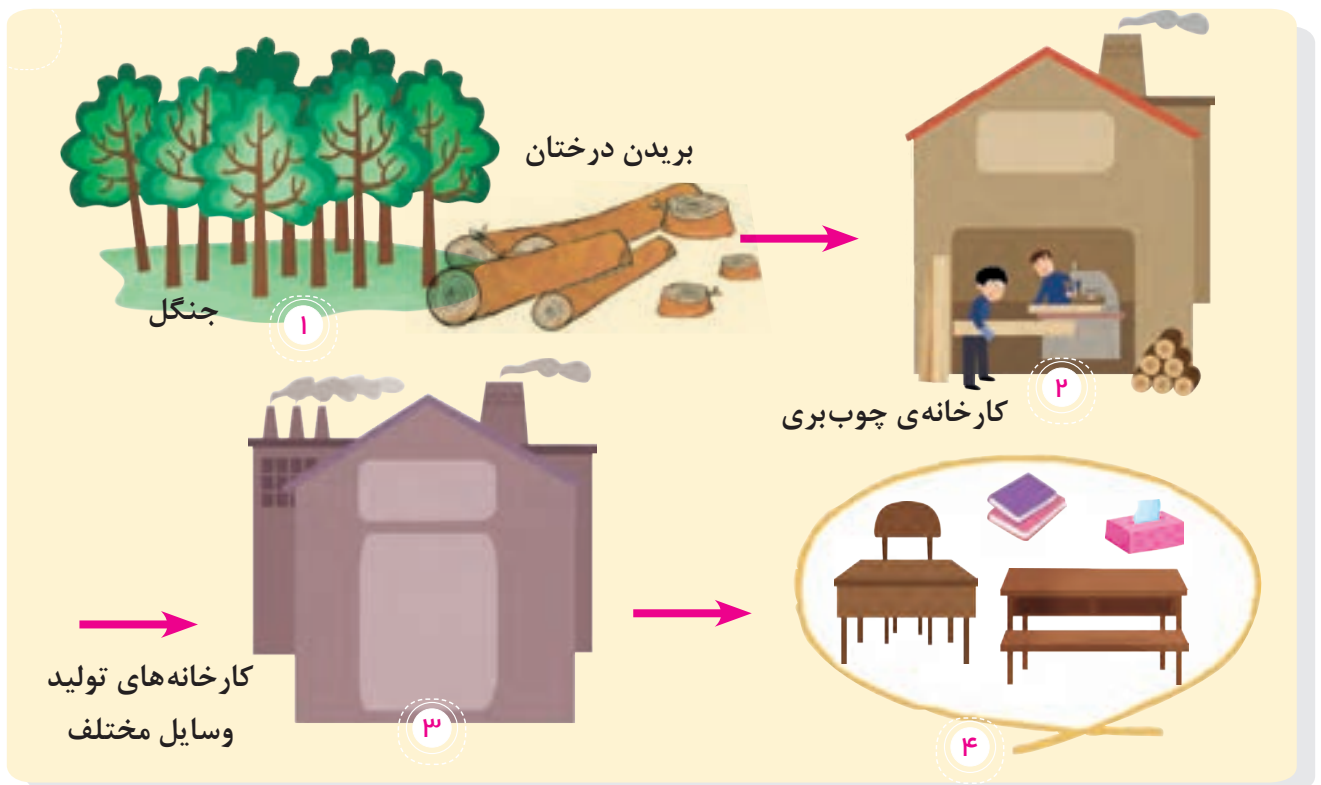
- بخشی از غذای ما از راه دامپروری به دست می‌آید. برای دامپروری به آب و خاک و گیاهان نیاز داریم.



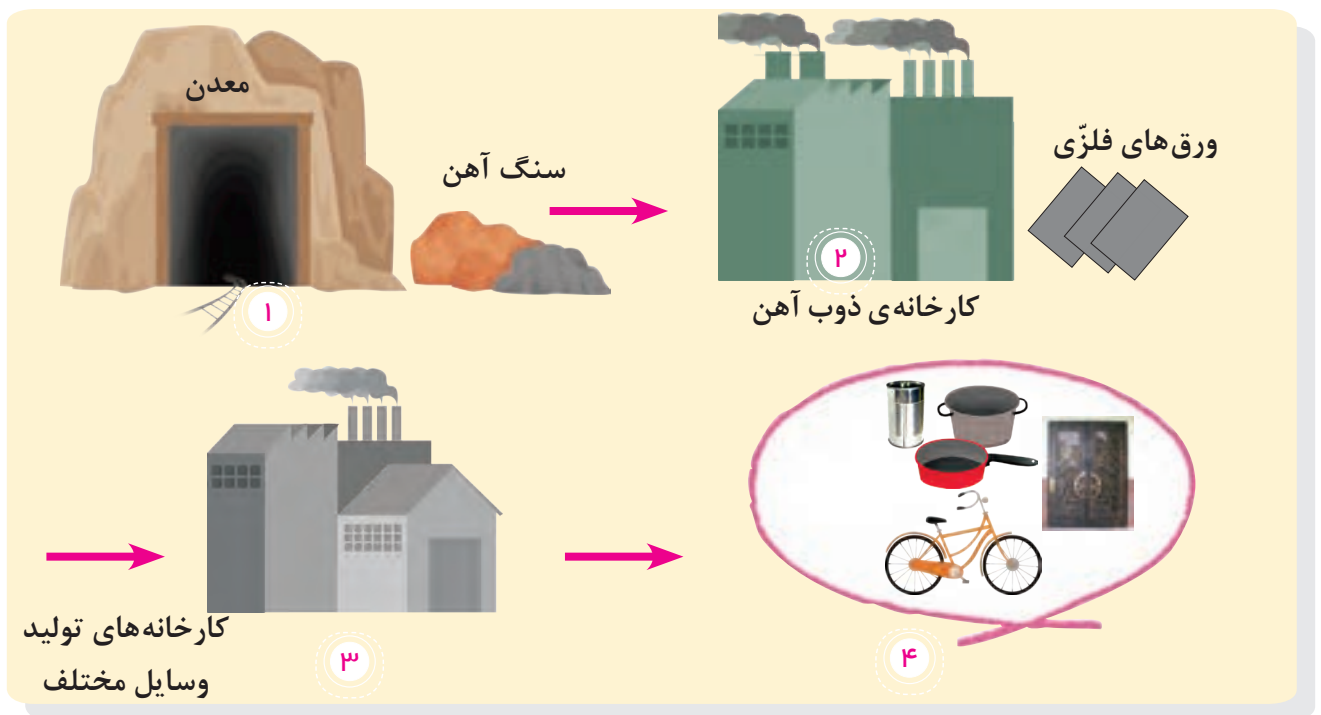
- لباس ما معمولاً از نخ درست شده است. نخ از گیاه پنبه یا پشم گوسفندان به دست می‌آید.



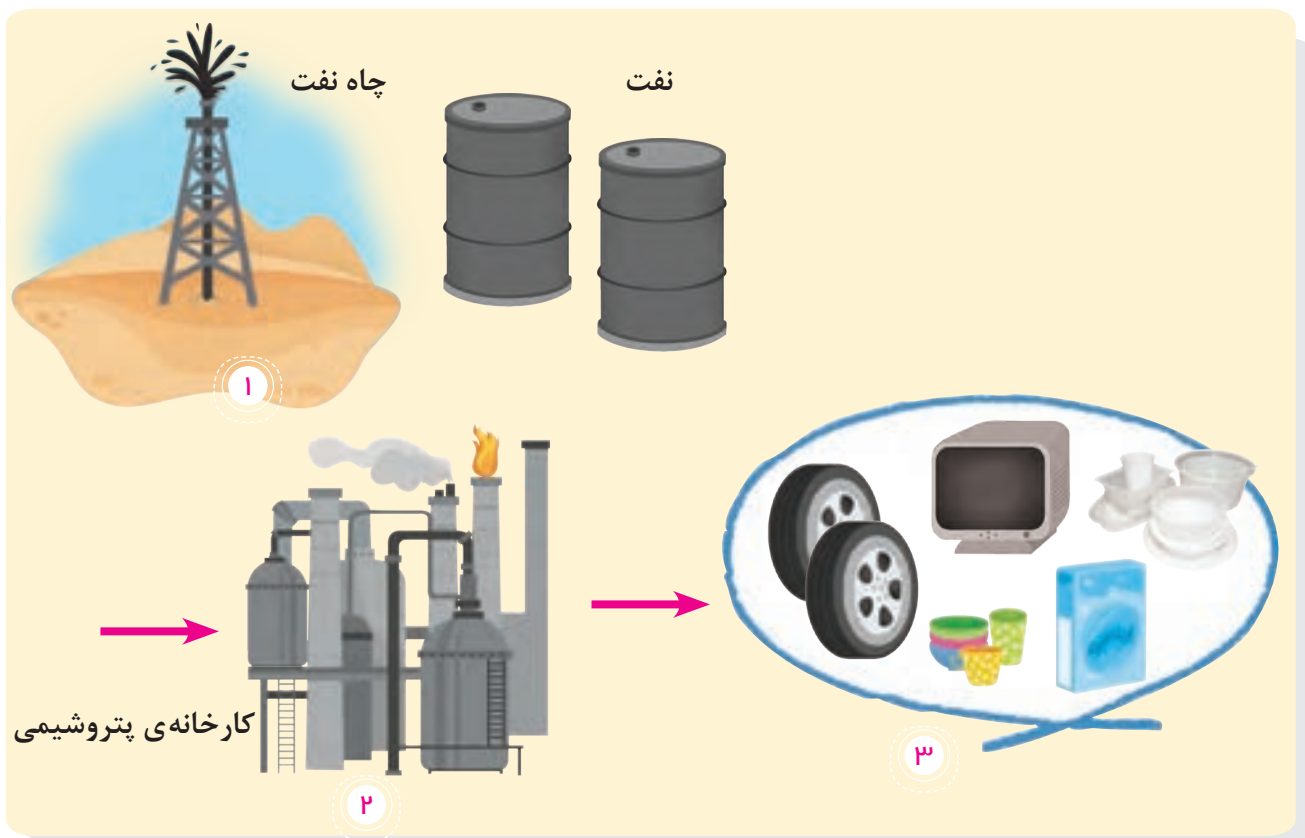
• بخشی از غذای ما از راه کشاورزی به دست می‌آید. برای کشاورزی به آب و خاک نیاز داریم.



• آیا می‌توانید بگویید کاغذ، دستمال کاغذی، میز و نیمکت و وسایل چوبی از چه چیزی به دست می‌آید؟



• در بعضی از وسایل زندگی ما، فلزاتی چون آهن و مس به کار رفته است. این مواد را از معدن استخراج می‌کنند. معادن در زیرزمین یا در دل کوه‌ها قرار دارند.



• **نفت**، ماده‌ی اولیه‌ی بعضی از وسایل زندگی ما است.  
آیا می‌توانید چیزهایی را نام ببرید که از مواد نفتی تهیه شده است؟



به خاک، آب، گیاهان، جانوران، نفت  
و فلزات **منابع طبیعی** می‌گویند.  
ما غذا، لباس و وسایل زندگی خود را از  
منابع به دست می‌آوریم.

هم‌فکری کنید و پاسخ دهید



کاربرگه‌های شماره‌ی (۱۱) و (۱۲) را در کلاس انجام دهید.



منابع طبیعی، نعمت‌های خداوند هستند. خداوند این نعمت‌ها را به ما داده است تا از آنها به خوبی استفاده کنیم. چگونه درست مصرف کنیم؟  
چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟  
به پاسخ‌های این بچه‌ها توجه کنید:



صرفه جویی می‌کنیم.



لباس‌های قدیمی‌ام را می‌شویم و اتو می‌کنم و امسال دوباره می‌پوشم.



از قوطی، جامدادی درست می‌کنم.



دارم با ورق سفید دفترهای کهنه‌ام، دفتر یادداشت درست می‌کنم.



کیف پارسالم را تمیز می‌کنم.



زیاده روی (اسراف) نمی‌کنیم.



ما نمی‌توانیم همه‌ی چیزهایی را که دوست داریم، بخریم.  
من به اندازه‌ی پولی که دارم، خرج می‌کنم.





پس انداز می‌کنیم.  
ما همیشه مقداری از پول مان را پس انداز  
می‌کنیم.



اکنون که پیام‌های بچه‌ها را خواندید، بگویید با کدام یک موافقید و آن را انجام می‌دهید؟ کدام را تصمیم می‌گیرید از این پس انجام دهید؟

وقتی درست و به اندازه مصرف می‌کنیم، در واقع از منابع طبیعی هم محافظت می‌کنیم.

هم فکری کنید و پاسخ دهید



- ۱- آیا شما و افراد خانواده‌تان پس انداز می‌کنید؟ چگونه؟ پس انداز چه فایده‌هایی دارد؟
- ۲- اسراف یعنی چه؟ چند نمونه مثال بنویسید.
- از معلم خود یا بزرگ‌ترها بپرسید خداوند در قرآن درباره‌ی اسراف چه فرموده است؟
- ۳- چرا وقتی غذا می‌خوریم از خداوند تشکر می‌کنیم؟
- شما چه می‌گویید؟ یک بار هم به زبان محلی‌تان بگویید.

## یک تصمیم خوب

زنگ جمله‌سازی بود. دفترم را باز کردم و صفحه‌ی سفیدی را آوردم. می‌خواستم کلمه‌ها را از روی تخته بنویسم که چشمم به دفتر پریسا افتاد. فقط چند خطی از صفحه‌ی آخر دفترش مانده بود. داشت کلمه‌ها را همان‌جا می‌نوشت.

به او گفتم: تو چقدر خسیسی! در این نصفه ورق آخر که نمی‌توانی چیزی بنویسی. ببین دفتر جدیدی که خریدم، جلدش چقدر قشنگ است! این دفترها خیلی گران است. خوب، در این صفحه همین چند خط بس است. حالا در صفحه‌ی جدید می‌نویسم.

پریسا گفت: مریم جان مادرم می‌گوید ما باید از هر چیزی که داریم خوب و درست استفاده کنیم. خانم معلم متوجه صدای ما شده بود. نزدیک آمد و نگاهی به دفترهایمان انداخت. بعد دفتر پریسا را به بچه‌ها نشان داد و گفت: ببینید پریسا برگ‌های سفید دفترش را تا آخر می‌نویسد. او با این صرفه‌جویی، هم به خانواده‌اش کمک می‌کند و هم به منابع کشور. آفرین به او! خیلی خجالت کشیدم. تازه فهمیدم که اشتباه می‌کنم. یاد ورقه‌های سفیدی افتادم که آن‌ها را مچاله کردم و در سطل زباله انداختم.

یاد این افتادم که چقدر مادرم را به زحمت انداختم و اصرار کردم من از این جور دفترها می‌خواهم. ناراحت شدم و به فکر فرو رفتم از آن روز به بعد تصمیم گرفتم از همه‌ی وسایلم به خوبی استفاده کنم. حالا اگر دفترهای مرا ببینید، حتی یک ورق هم پیدا نمی‌کنید که خالی از نوشته باشد.

(کبری هاشمی)

؟



گفت‌وگو کنید



۱- به نظر شما مریم از چه چیزی ناراحت شد و خجالت کشید؟

۲- آیا شما تصمیمی شبیه به تصمیم مریم در زندگی‌تان گرفته‌اید؟ در کلاس

تعریف کنید.





آیا تاکنون دقت کرده‌اید شما و خانواده‌تان هر روز مقداری پوست میوه و باقیمانده‌ی مواد غذایی، کاغذ، جعبه‌ی مقوایی و چیزهای کهنه و شکسته شده را دور می‌ریزید؟ به این مواد **زباله** می‌گوییم. جمع شدن زباله‌ها برای سلامتی ما ضرر دارد و خطرناک است. چرا؟



مأموران زحمتکش شهرداری زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و به جاهای دور دست می‌برند تا محل زندگی ما پاکیزه و سالم بماند. سپس زباله‌ها را به روش بهداشتی می‌سوزانند یا زیرزمین دفن می‌کنند.

فراموش نکنیم زباله‌ها را در ساعتی که شهرداری تعیین کرده، به محل جمع‌آوری آن‌ها ببریم.

### گفت‌وگو کنید



۱- ما هر روز مقداری زباله تولید می‌کنیم. هم‌فکری کنید و چند راه پیشنهاد کنید تا در خانه یا مدرسه زباله‌ی کمتری تولید شود.

۲- پرس‌وجو کنید خانواده‌ها برای بیرون گذاشتن زباله چه نکاتی را باید رعایت کنند؟

همه‌ی زباله‌ها دورریختنی نیستند. بعضی از زباله‌ها را می‌توان بازیافت کرد.



بازیافت چیست؟

بازیافت یعنی از موادی که قبلاً استفاده شده است، دوباره چیز جدیدی بسازند. برای مثال، بطری‌های شیشه‌ای یا پلاستیکی و قوطی‌های فلزی را در کوره حرارت می‌دهند و از آن‌ها چیزهای جدید می‌سازند. کاغذهای دور ریخته شده را با دستگاه‌های مخصوص خیر می‌کنند و دوباره از آن‌ها کاغذ درست می‌کنند.



ما چه‌کلی می‌توانیم بکنیم؟

ما نباید این نوع زباله‌ها را با زباله‌های دیگر مخلوط کنیم تا آلوده شوند. ما می‌توانیم در خانه و مدرسه این زباله‌ها را جدا کنیم تا برای بازیافت آماده شوند.



آیا بازیافت کمک به حفظ منابع است؟



- ۱- شما و دوستانتان تصمیم گرفته‌اید در خانه تان صرفه جویی کنید و اسراف نکنید. هم‌فکری کنید که در این مورد چه کارهایی می‌توانید انجام بدهید؟ چند کار پیشنهاد بدهید.
- ۲- به سلیقه‌ی خودتان یک قلک درست کنید. برای این کار از افراد خانواده تان کمک بگیرید. قلک را به هم‌کلاسی‌هایتان نشان بدهید. تصمیم بگیرید از امروز تا عید نوروز بخشی از پول تو جیبی تان را پس‌انداز کنید.
- ۳- با کمک اعضای خانواده زباله‌هایی را که قابل بازیافت هستند، جدا و دسته‌بندی کنید. بعد در کلاس بگویید چگونه این کار را انجام دادید.
- ۴- در مدرسه زباله‌ها را تفکیک کنید. سه سطل درست کنید و از همه بخواهید کاغذ و مقوای، پلاستیک و بطری و باقیمانده‌ی میوه‌ها و خوراکی‌ها را به‌طور جداگانه در سطل مخصوص بریزند.





# فصل ۵ خانه‌ی ما





هر روز بعد از تعطیل شدن مدرسه، به خانه می‌روم. مادرم منتظر آمدن من است. در را به رویم باز می‌کند و من به او سلام می‌کنم. سایر اعضای خانواده هم بعد از تمام شدن کارهایشان در بیرون از منزل به خانه برمی‌گردند و کم‌کم همه دور هم جمع می‌شویم.

همه‌ی ما خانه‌ی خود را دوست داریم و می‌خواهیم درباره‌ی آن بیشتر بدانیم.



چرا همه‌ی انسان‌ها به خانه نیاز دارند؟

### خانه

با کلاه و کت و کیف چرمی  
می‌گشاید همیشه به گرمی  
می‌دود سوی من با عروسک  
می‌گذارد گل یاس و میخک  
دور هم منتظر می‌نشینیم  
سفره‌ی شامان را بچینیم  
خانه‌ی امن ما سرپناه است  
جای آرامش و تکیه‌گاه است

می‌رسم خسته در باد و باران  
خانه آغوش خود را به رویم  
خواهر کوچک و مهربانم  
مادرم توی گلدان چینی  
آش خوشمزه‌ای پخته مادر  
تا پدر مثل هر شب بیاید  
در زمستان و در فصل گرما  
وقت دلتنگی و رنج و غصه

(کبری هاشمی)





- ۱- شعر خانه را بخوانید. خانه کدام نیازهای ما را برآورده می‌کند؟ در این شعر، کدام نیازها بیان شده است؟
- ۲- به غیر از این نیازها چه نیازهای دیگری به فکر شما می‌رسد؟



اعضای خانواده در خانه کارهای گوناگون انجام می‌دهند.  
 آن‌ها در خانه استراحت می‌کنند و می‌خوانند.  
 اعضای خانواده در خانه دور هم جمع می‌شوند، با هم گفت‌وگو می‌کنند و اوقات خوبی را با هم می‌گذرانند.  
 در این خانه، همه خدا را عبادت می‌کنند و از او به خاطر نعمت‌هایش تشکر می‌کنند.

راستی چرا شکل خانه‌ها با هم فرق دارد؟



در کشور ما ایران، مردم در مکان‌های مختلف زندگی می‌کنند و شکل خانه‌های آن‌ها با هم فرق دارد.



♦ بعضی از مردم در خانه‌های حیاط‌دار زندگی می‌کنند.  
معمولاً در این نوع خانه‌ها، یک خانواده زندگی می‌کنند.



♦ در شهرها، بعضی از مردم در ساختمان‌های چند طبقه (آپارتمان) زندگی می‌کنند.  
این ساختمان‌ها چند طبقه هستند و تعداد زیادی خانواده در طبقات مختلف آن زندگی می‌کنند.



◆ در خانه‌های روستایی معمولاً مکان‌هایی برای انبار محصولات یا وسایل کشاورزی و محلی برای نگهداری حیوانات نیز وجود دارد.



◆ این تصویر، زندگی **عشایر** را نشان می‌دهد. عشایر مردمی هستند که شغل آن‌ها دامپروری است. آن‌ها برای یافتن چراگاه به طور مرتب از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر کوچ می‌کنند. عشایر در چادر زندگی می‌کنند. بنابراین در هنگام کوچ، خانه‌های آن‌ها هم جابه‌جا می‌شود.

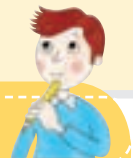


◆ به این تصویرها نگاه کنید. در مناطق پرباران، سقف خانه‌ها را شیب‌دار می‌سازند. چرا؟ آیا می‌دانید این نوع خانه‌ها را در کدام مناطق ایران می‌توان دید؟



◆ در بعضی از مناطق گرم، سقف خانه‌ها را به شکل گنبدی می‌سازند و برای خنک کردن هوای خانه از بادگیر استفاده می‌کنند.

پاسخ دهید



- ۱- چرا در شهرهای بزرگ، ساختمان‌های بلندمرتبه یا آپارتمان می‌سازند؟
- ۲- خانه‌ی شما به تصویر کدام نوع خانه بیشتر شبیه است؟
- ۳- کار برگه‌های شماره‌ی (۱۳) و (۱۴) را در کلاس انجام دهید.



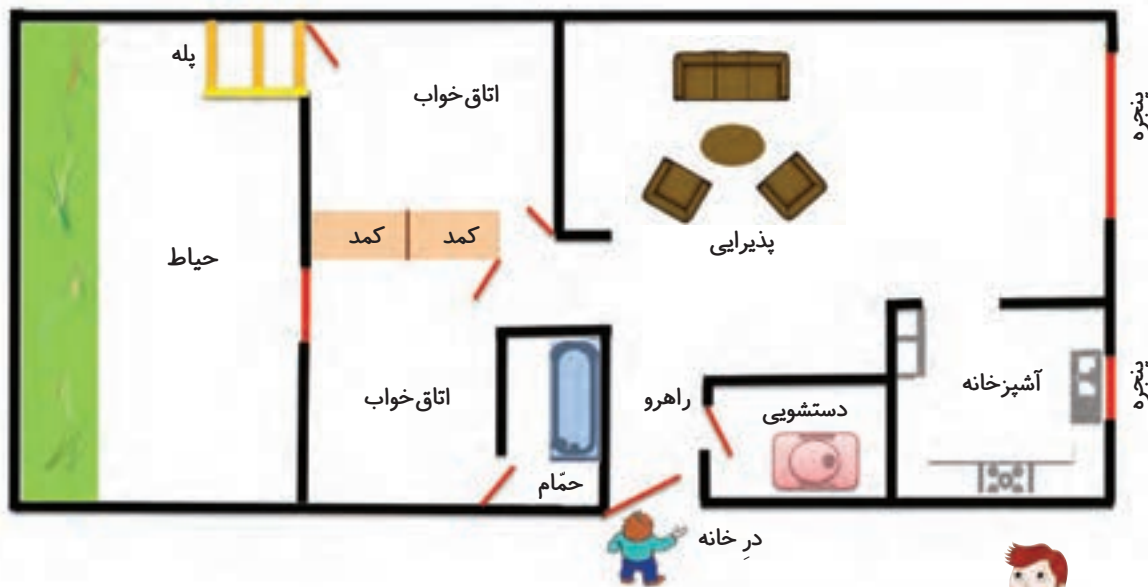
در هر خانه، مکان‌های مختلفی وجود دارد. در مکان‌های مختلف خانه، کارهای گوناگون انجام می‌گیرد. به این تصویر نگاه کنید. این نقشه‌ی خانه است. اتاق‌ها و سایر مکان‌های خانه را نشان می‌دهد.

هم فکری کنید و بگویید



به نقشه‌ی زیر نگاه کنید.

- ۱- وقتی وارد خانه می‌شویم، کدام مکان‌ها، سمت راست و کدام مکان‌ها سمت چپ ما قرار دارد؟
- ۲- کدام مکان روبه‌روی ما است؟
- ۳- حمام بین کدام مکان‌ها قرار دارد؟
- ۴- کدام اتاق‌ها به حیاط راه دارند؟ آشپزخانه در کدام سمت قرار گرفته است؟



مشاهده کنید و پاسخ دهید



- ۱- شما در شهر زندگی می‌کنید یا در روستا؟
- ۲- خانه‌ی شما از چه مکان‌هایی تشکیل شده است؟ نام ببرید. آیا حیاط دارید؟
- ۳- وقتی داخل خانه می‌شوید، در سمت چپ و سمت راست شما کدام مکان‌ها قرار دارد؟
- ۴- کدام مکان از بقیه‌ی قسمت‌ها بزرگ‌تر است؟ کدام مکان کوچک‌تر است؟

**توجه:** معلم گرامی، در این درس، یافتن مکان‌ها بر روی نقشه کافی است و نیاز به ترسیم نقشه توسط دانش آموز نیست.

## ◆ شکل خانه‌ها تغییر می‌کند

این تصویر، یک خانه‌ی قدیمی را نشان می‌دهد. آقای محمودی برای بچه‌ها از خاطراتش در این خانه تعریف می‌کند:

ما سال‌ها پیش در این خانه زندگی می‌کردیم. خانه‌ی ما شش اتاق داشت و در همه‌ی اتاق‌ها به روی حیاط باز می‌شد. در آن زمان، عمه و عموی من هم با خانواده‌شان در این خانه زندگی می‌کردند. من هر روز با پسرعمه‌ها و پسرعموهایم در حیاط بازی می‌کردم. آن وقت‌ها، هنوز آب لوله‌کشی نبود. آب را در آب انبار که گوشه‌ی حیاط بود، ذخیره می‌کردند. حوض آب، وسط حیاط بود و ظرف‌ها و لباس‌ها را کنار حوض می‌شستند. خانه‌ها حمام نداشت و مردم از حمام‌های عمومی استفاده می‌کردند.



### مقایسه و پرس‌وجو کنید



- ۱- خانه‌ی شما چه تفاوت‌هایی با خانه‌ی آقای محمودی دارد؟ چه شباهت‌هایی دارد؟
- ۲- با یکی از افراد سالخورده‌ی خانواده‌تان گفت‌وگو کنید. چند مورد از تفاوت‌های خانه‌های آن‌ها را با خانه‌های امروزی بپرسید و در کلاس بگویید.

## ♦ ساختن خانه

آیا تاکنون فکر کرده‌اید برای خانه‌سازی به شغل‌های گوناگونی نیاز داریم؟ برای ساختن خانه، افراد زیادی باید با هم همکاری کنند. هر کدام از این افراد در یک کار **مهارت** دارند. معمولاً مهندس ساختمان، نقشه‌ی خانه را می‌کشد. بنا و کارگران، دیوارها و سقف‌ها را می‌سازند. لوله‌کش، لوله‌های آب را از زیرزمین عبور می‌دهد و برق کار، سیم‌کشی می‌کند و برق را به همه‌ی مکان‌های خانه می‌برد.



هم فکری کنید



۱- چه کسانی خانه‌ی شما را ساخته‌اند؟

۲- به چند گروه تقسیم شوید و همه‌ی شغل‌هایی که در ساختن خانه‌ی شما نقش داشته‌اند، را روی یک کاغذ بنویسید.



چگونه از خانه مان محافظت کنیم؟  
کدام نکات ایمنی را رعایت کنیم؟

### ایمنی در خانه

نکات ایمنی یعنی چه کارهایی بکنیم یا نکنیم تا از خطر دور بمانیم.  
بچه‌ها این نکات را رعایت کنید و برای پدر و مادرتان هم تعریف کنید.



♦ از گاز مسافرتی برای گرم کردن هوای خانه یا حمام استفاده نکنید.



♦ اگر بوی گاز احساس کردید، کلید برق را نزنید. شیر گاز را ببندید. هیچ آتشی حتی یک کبریت روشن نکنید.

پنجره‌ها را باز کنید و با یک حوله‌ی خیس هوا را به بیرون هدایت کنید.

♦ بدون اجازه و حضور بزرگ‌تر به کلیدها و شیر و لوله‌های اجاق گاز دست نزنید.





- ◆ از روشن کردن آتش، نزدیک ظرف بنزین یا نفت جداً خودداری کنید.
- ◆ از گذاشتن ترقه و مواد آتش‌زا در داخل کمد یا کیف خودداری کنید.
- ترقه‌بازی در خانه یا کوچه و خیابان باعث زخمی شدن افراد می‌شود و ممکن است انفجار و آتش‌سوزی رخ دهد.



- ◆ هر نوع بخاری باید دودکش مناسب داشته باشد. بدون دودکش، گازهای سمی باعث مسمومیت و مرگ می‌شود.
- شعله‌ی بخاری، باید آبی‌رنگ باشد. اگر بخاری با شعله‌ی زرد بسوزد، یعنی گاز سمی تولید می‌کند.



- ◆ در خانه را هیچ‌گاه باز نگذارید.
- ◆ اگر در خانه تنها هستید، در را به روی افراد غریبه باز نکنید.



- ◆ اگر سیم برق زخمی یا پوسیده باشد، باعث برق‌گرفتگی و آتش‌سوزی می‌شود.
- ◆ دست‌کاری وسایل برقی و پریز و کلیدها موجب برق‌گرفتگی یا آتش‌سوزی می‌شود.

گفت‌وگو کنید



کار برگه‌ی شماره‌ی (۱۵)، «نکات ایمنی» را در کلاس اجرا کنید.

## ◆ آتش‌نشانی

وقتی به علت رعایت نکردن نکات ایمنی، در جایی آتش‌سوزی رخ می‌دهد، مأموران آتش‌نشانی با لباس و وسایل مخصوص به آنجا می‌روند تا آتش را خاموش کنند و جان و مال مردم را نجات دهند.

دانش‌آموزان یک مدرسه از ایستگاه آتش‌نشانی بازدید کردند.

آن‌ها با مأموران آتش‌نشانی گفت‌وگو کردند و با وظایف آن‌ها آشنا شدند.



### هم فکری کنید



- ۱- به تصاویر روبه‌رو نگاه کنید و مراحل کار آتش‌نشان‌ها را توضیح دهید.
- ۲- به همراه معلم و هم‌کلاسی‌های خود از یک ایستگاه آتش‌نشانی نزدیک محل زندگی‌تان بازدید کنید. پس از بازدید، به پرسش‌های معلم پاسخ دهید.



۱- اگر در محل زندگی شما آتش سوزی رخ دهد، با چه شماره‌ای تماس می‌گیرید و چه می‌گویید؟ جای خالی را

کامل کنید.

آلوه.....  
 .....  
 .....  
 .....

- آتش‌نشانی بفرمایید.  
 - سلام  
 - نشانی شما چیست؟  
 - پلاک چند؟



۲- به غیر از آتش سوزی، در چه موارد دیگری می‌توانیم از آتش‌نشانی کمک بگیریم؟

۳- کار برگه‌ی شماره‌ی (۱۶) «نکات ایمنی در خانه یا مدرسه‌ی من» را کامل کنید.

۴- فرض کنید در آینده، وقتی بزرگ شدید باید خانه‌ای بسازید. خانه‌ی شما چگونه خواهد بود؟ خانه‌ی دلخواه و

مورد علاقه‌تان را معرفی کنید. (دوباره‌ی آن توضیح بدهید، چند جمله بنویسید یا نقاشی کنید).

۵- این شماره تلفن‌های ضروری را روی یک کاغذ بنویسید و در جای مناسبی در خانه بچسبانید.

آتش‌نشانی ۱۲۵	اورژانس ۱۱۵	پلیس ۱۱۰	راهنمای تلفن ۱۱۸
---------------	-------------	----------	------------------



# فصل ۹ مدرسه‌ی ما





هر روز، با شوق و ذوق، کتاب و دفترمان را در کیف می‌گذاریم، لباس می‌پوشیم و به مدرسه می‌رویم. مدرسه، خانه‌ی دوم ماست.

### گفت‌وگو کنید



- ۱- به تصویرهای این درس توجه کنید. هر تصویر چه چیزی را نشان می‌دهد؟ جای خالی را پر کنید.
- ۲- در مدرسه چه چیزهایی یاد می‌گیریم و چه کارهایی انجام می‌دهیم؟ چرا مدرسه جای خوبی است؟



مطالعه



.....



آزمایش علمی



دوستی



نماز خواندن



.....



.....



.....